زیر آسمان فیروزه‌ای

درپی انتشار فیلم خصوصی استاد شجریان در شب یلدا

نمایش دست‌های لرزان استاد

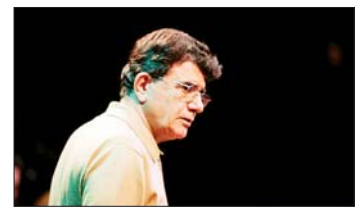

● **گروه هنر:** در همه دنیا، انتشار فیلم‌های خصوصی افراد مشهور یکی از راحت‌ترین کارهایی است که صفحه‌ای را پربازدید می‌کند. از سال‌ها و دهه‌ها قبل یلوپیج‌ها کارشان همین بوده که با تیترکردن حواشی زندگی خصوصی سلبریتی‌ها، نسخه‌هایشان را بفروشند؛ هنوز که هنوز است این سنت پابرجاست، آنچه تغییر کرده صرفا نوع رسانه است. یلوپیج‌ها این روزها در اینستاگرام فعال‌ترین پیج‌ها را دارند و گاه تا مرز ممنوع‌الفعالیتی افراد مشهور پیش می‌روند. این صفحات مجازی گوشه‌هایی از زندگی افراد مشهور را به نمایش می‌گذارند که مخاطبان عام پیوسته علاقه به سرکشیدن به زندگی آنها را داشته و دارند. همین اقبال عمومی باعث شده است تا تعداد بازدیدکننده‌های این صفحات بیشتروبیشتر شود، بنابراین قیمت صفحه بالاتر رفته و امکان آگهی‌گرفتن بالاتر می‌رود و به‌اصطلاح صفحه گران‌تری می‌شود. از سویی دیگر، برخی از فیلم‌های منتشرشده در این صفحات آن‌قدر جریان‌ساز بوده‌اند که به‌راحتی بیش از هر رسانه دیگری توانسته‌اند اثرگذاری‌شان را نشان دهند. در ماه‌ها و سال‌های گذشته، انتشار فیلم‌های خصوصی از آزاده نامداری، علی ضیاء یا رضا هلالی در فضای مجازی باعث نشان‌دادن وجه متفاوتی از زندگی، رفتار و عملکرد آنها داشت تا آنجا که تمامی این افراد مجبور به واکنش نشان‌دادن به افشاگری‌های فضای مجازی شدند. شاید امثال همین فیلم‌هاست که منجر به تولید برنامه‌ای مانند «اینسایدر» در دنیای هالیوود و موسیقی جهان شده است و چون ما در ایران امکان پرداختن رسمی به این حواشی را در رسانه ملی‌مان نداریم، لاجرم اینستاگرام و کانال‌های تلگرامی همچنان بهترین گزینه برای دنبال‌کردن چنین اخباری برای طرفداران خاص این ماجراجویی‌ها و حواشی است.اما متأسفانه جمعه، اول دی‌ماه، فیلمی از محفلی خصوصی در شب یلدای امسال منتشر شد که در آن استاد محمدرضا شجریان با مویی سپید، در کنار آخرین فرزندش، «رایان»، حضور دارد و یکی از حاضران در جشن در حال گرفتن فال حافظ و قرائت آن است. در پایان این شعرخوانی، زمانی که همه برای فال خوش آمده در حال کف‌زدنند، دوربین روی دست‌های کم‌جان استاد می‌آید که توان دست‌زدن ندارند. فیلم در دو بخش در فضای مجازی پخش شد؛ اول از ابتدای قرائت غزل حافظ و دیگری از انتهای خوانش غزل تا کف‌زدن حاضران در جمع. در هر دو ویدئو که به‌نوعی در ادامه هم هستند و هر دو در یکی از پیج‌های اینستاگرام منتشر شده‌اند، استاد در سکوت کامل است؛ سکوتی که طبیعتا خودخواسته نیست. در انتهای دومین ویدئو هم لرزش دست‌ها نمایش داده می‌شود.در دو روز گذشته که این فیلم منتشر شده است، بسیاری از هواداران استاد شجریان بابت انتشار این فیلم خصوصی که تا به این لحظه هم واکنش خاصی را از سوی خانواده ایشان برنینگیخته، آزرده شدند. شاید یکی از اصلی‌ترین دلایل آن را باید در اسطوره‌ای‌بودن شخصیت شجریان به‌عنوان استاد مسلم آواز ایرانی و مهم‌ترین چهره موسیقی ایران دانست که حالا خدشه‌دار شده است. ضمن اینکه در این سال‌هایی که استاد درگیر بیماری شدند، خانواده ایشان با درایت کامل مدیریت انتشار اخبار و تصاویر استاد را برعهده داشتند و هیچ تصویر ناخواسته‌ای که نشانه‌های عمیق ضعف یا بیماری استاد در آنها مشهود باشد منتشر نشده بود. بنابراین مخاطبان استاد با انتشار این تصاویر ناگهانی، آن هم تنها یک شب بعد از شب یلدا شوکه شدند.حالا باید در روزهای آینده منتظر ماند و دید این موج که به داستان‌های حاشیه‌ای اطراف بیماری استاد و وضعیت جسمی ایشان می‌پردازد، اوج می‌گیرد یا فروکش می‌کند.

نامه سرگشاده منتقدان به وزیر ارشاد درخصوص اساسنامه جشنواره موسیقی فجر

جشنواره را به رسمیت نمی‌شناسیم

● **گروه هنر:** نمایندگان منتقدان و هیئت منتخب تهیه و تدوین اساسنامه جشنواره موسیقی فجر، با ارسال نامه‌ای به وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی که متن آن در اختیار رسانه‌ها نیز قرار گرفته است، به حضور چندین باره «مدیرعامل خانه موسیقی ایران» به عنوان مدیر «جشنواره موسیقی فجر» اعتراض کرده و خواستار پاسخ‌گویی و پای‌بندی وزارت ارشاد به وعده‌های سال گذشته مسئولان در خصوص اساسنامه جشنواره موسیقی فجر و انجام آن شدند.هیئت نمایندگان تهیه و تدوین اساسنامه موسیقی فجر در نامه خویش به وزیر ارشاد قید کرده‌اند: «جشنواره موسیقی فجر که همواره محل نقد و پرسشگری اصحاب هنر موسیقی بوده است، اما طی دو دوره گذشته و به واسطه ورود «خانه موسیقی ایران» به مدیریت این رویداد مهم موسیقایی، آن هم درست در زمانی که این نهاد به واسطه تخلفات و رفتارهای غیرصنفی، محفلی و جناحی گردانندگانش زیر شدیدترین انتقادات اهالی موسیقی قرار داشته باشد، می‌توان باعث بی‌اعتمادکردن جامعه موسیقی به این رویداد هم بشود».

گفت‌وگو با حمید متبسم به مناسبت انتشار آلبوم «تار و پود»

همه چیز نام و ثروت نیست

نسیم قاضی‌زاده: حمید متبسم را جدای از فعالیت‌هایش در گروه دستان، به خاطر آهنگ‌سازی‌هایش در حوزه موسیقی ایرانی، همین‌طور نوازندگی تار و سه‌تار می‌شناسند تا آنجا که امسال آلبومی را صرفا به تک‌نوازی سه‌تار-سازی که کمتر با آن در دستان حاضر می‌شود- منتشر کرد. او در سال‌های اخیر چندین پروژه را بر اساس اشعار کهن فارسی انجام داده است که از جمله آنها می‌توان به «سیمرغ» اشاره کرد. به تازگی او آلبومی را روی اشعار «نظامی‌گنجوی» آماده کرده که قرار است هفته آینده در فرهنگ‌سرای نیاوران رونمایی شود.

عکس: معین هاشمی‌نسب

لطفا درباره پروژه «تار و پود» توضیح بفرمایید، اینکه چه زمانی آغاز شد و هدف اصلی از ساخت آن چه بود؟

خلق هر اثر هنری آتشفشانی است که درون خالقش فعال می‌شود و بازتاب حالات درونی خالق هنر است و به جز این تعریف و هدفی ندارد. مگر اینکه آن اثر سفارشی باشد. «تار و پود» اثری عاشقانه بر اساس برداشتی آزاد از داستان خسرو و شیرین نظامی است که فکر آهنگ‌سازی‌اش از اواسط سال ۹۳ با من بود، اما در سال ۹۵ به سرانجام رسید. با اینکه ۸۰ بیت از اشعار نظامی بافت داستان ساخته و پرداخته این اثر را شامل می‌شود، «تار و پود» تفاوت‌های ویژه‌ای با داستان خسرو و شیرین دارد. در افسانه خسرو و شیرین رقابت، حسادت، غرور و تکبر عشق خسرو و شیرین را به راهی می‌برد که پایانش زمینی است، «تار و پود» ولی با به‌هم‌رسیدن خسرو و شیرین به پایان می‌رسد و از طرح بخش‌های بعدی داستان نظامی پرهیز می‌کند، تا دامن عشق، آلوده نشود و آسمانی بماند.

تفاوت این اثر با آنچه پیش از این منتشر شده بود، در چیست؟

تفاوت این اجرا و اجرای پیش تنها در خواننده است، غیر از اینکه هر اثر هنری می‌تواند و جذاب است که اجراهای متفاوتی داشته باشد، همان‌طور که خودتان می‌دانید به‌هرحال نشر آثار موسیقی با صدای خواننده خانم در ایران میسر نیست.

شما در سال گذشته و بعد از «سیمرغ» بار دیگر سراغ ادبیات کهن رفته‌اید. لزوم پرداختن به ادبیات کهن در عصر جدید را در چه می‌بینید؟

در ادبیات کهن جلوه‌های انسانی و نقاط خاص تاریخ زندگی انسان برجسته است، نقاطی که می‌توان از آن درس گرفت و می‌توان از آن چراغی ساخت برای یافتن راهی بهتر و برای زندگی نوین. ادبیات کهن، افتخار ما، یا بهتر بگوییم تاریخ و ادبیات کهن، از انگشت‌شمار مایه‌های سرفرازی ماست. تمام مردمانی که تاریخی کهن مانند ایرانیان دارند، به ادبیات کهن خویش می‌نازند و می‌پردازند. ببینید چقدر فیلم، تئاتر، موسیقی و اپرا تاکنون از داستان‌های یونانی، رمی و مصری ساخته شده است.

همکاری با وحید تاج چطور بود؟

وحید تاج جوان خوش‌فکر، خوش‌تکنیک و بامرامی است و آینده‌اش روشن‌تر از امروز است، به شرط پرورش این تفکر و این تکنیک و این مرام. از قدیم گفته‌اند: آدمی را باید بر اساس کرده‌ها و ناکرده‌های خودش سنجید. متأسفانه تجربیات من از کارکردن با خوانندگان جوان، همگی شیرین و دلپذیر نیستند. انسان و به‌خصوص انسان هنرمند، تا فراموش نکرده است که همه چیز نام و ثروت نیست، کردار و پندارش نکوست. جامعه امروز ما انسان را به بستن باری تشویق می‌کند که به دور از معرفت زندگی انسانی است و بر همین اساس است که کیفیت‌های هنر موسیقی تحت تأثیر بازاری است که همین روند برایش خط و مشی مشخص می‌کند و به همین دلیل است که دیگر کمتر ادیب خوانساری، محمودی خوانساری، قوامی، گلچین، محمدرضا شجریان و از این دست به وجود می‌آید. بازار موسیقی به خوانندگان امروز فرصت آن‌شدن را نمی‌دهد و مخاطب امروز هم از خوانندگان، آن توانایی و معرفت را طلب نمی‌کند.

چرا متن عاشقانه خسرو و شیرین نظامی را انتخاب کردید؟

هنر بازتاب درون خالق هنر است و درون خالق هنر شامل احساس، جهان‌بینی و تفکر او می‌شود. انتخاب شعری عاشقانه برای به‌تصویرکشیدن حال درونی من و انتخاب خسرو و شیرین به دلیل تفکر پرداختن به ادبیات کهن، دستمایه این اتفاق بود.

انتخاب ادبیات کهن برای آهنگ‌سازی، چه محدودیت‌ها و مزیت‌هایی دارد؟

ادبیات کهن یک مفهوم کلی و بسیار فراگیر است، بهتر است بگوییم، انتخاب ادبیات روایی چه محدودیت‌ها و مزیت‌هایی دارد؟ ادبیات روایی (داستانی)، چند مشکل برای آهنگ‌ساز ایجاد می‌کند. اول اینکه آهنگ‌ساز باید داستانی را که آغاز کرده به درستی پیش ببرد و به انجام برساند، در این حالت حذف ابیات و قسمت‌ها بسیار مشکل است و کنترل زمان قطعه و کل ماجرا خودش هنری است.

دوم اینکه در ادبیات کهن وزن اشعار یک مجموعه، از آغاز تا پایان یکی است و تنوع در مفهوم کلمات است، حال اینکه در موسیقی تنوع در تغییر اوزان و مایه‌هاست و درگیری با یک وزن ثابت مثلا (مفاعیلن مفاعیلن مفاعیل) دست خالق اثر را می‌بندد و یافتن راهی برای تلفیق گوناگون و رنگارنگ شعر سخت می‌شود.

البته به اعتقاد من همین پیچیدگی‌ها مزیت کار روی اشعار روایی کهن نیز هست، چراکه آهنگ‌ساز به یک مبارزه جذاب دعوت می‌شود و در راه یافتن مسیر هنری، رشد می‌کند و متحول می‌شود و شاید نتیجه کارش هم به همین دلیل، اثری شود بدیع.

اجرای اثر با ارکستر مجلسی است، دلیل انتخاب این ارکستر جمع‌وجور چیست؟

انتخاب سازبندی در آثار به دو دلیل شخصیت خود کار و امکانات صورت می‌گیرد. به فکر و احساس من می‌شد که «تار و پود» را برای یک کوارتت زهی، سازهای کوبه‌ای و خواننده یا این ترکیب فعلی، یعنی دو سه تار، قیچک آلتو، بربت، سازهای کوبه‌ای و خواننده نوشت. قصد و احساس من این بود که این اثر صدایی کهن داشته باشد، از این رو از سازهایی مانند تار و سنتور و همین‌طور از سازهایی که صدای زیر دارند، پرهیز کردم.

برای اجرای صحنه‌ای آن چه برنامه‌ای دارید؟

«تار و پود» تاکنون اجراهای متعددی در خارج از ایران داشته و در تابستان گذشته نیز اجرائی در فضای باز کاخ نیاوران با همین ترکیب داشتیم که به دلیل عدم برنامه‌ریزی صحیح و کمبود امکانات لازم، درست ارائه نشد.

حال در روزهای ۲۷ و ۲۸ دی‌ماه پیش‌رو، اجراهایی خواهیم داشت که اجرای اول در تالار وحدت برای عموم و دوم در سالن رودکی برای اهالی هنر خواهد بود.

مخاطبی که برای این اثر تعریف کرده‌اید، در چه رده سنی و فکری است؟

موسیقی این اثر و رنگارنگی‌اش می‌تواند برای پیر و جوان جذاب باشد، اما ناگفته نماند که این موسیقی به دلیل بافت‌های پیچیده‌اش، نیاز به گوش آموزش‌دیده دارد و شاید برای گوشی که عادت به شنیدن موسیقی روزمره و پاپ دارد، کمی سنگین باشد.

از فعالیت‌های در حال انجام خودتان بفرمایید؛ همین‌طور از برنامه‌های آینده.

از آنچه هنوز خلق نشده نمی‌توانم برایتان بگویم، ولی در مورد کنسرت‌ها و فعالیت‌های آموزشی مانند گذشته تلاش دارم که فعال باشم و امید دارم که بتوانم نت آثارم را منتشر کنم.

گفت‌وگو با مسعود رایگان، کارگردان تئاتر

راه فرار من از این تالارها کجاست

رضا آشفته: نمایش‌نامه «لازاریلو» اسپانیایی به رابطه بین لازارلوی ۱۰ ساله و اربابان مختلف او می‌پردازد. مکان این نمایش‌نامه در اسپانیاست و زمان آن قرن ۱۵ میلادی است و با توجه به اینکه رابطه برده و ارباب در آن به نحوه‌های مختلف بازسازی می‌شود، یادآور رمان‌های مهمی مانند «دن‌کیشوت» و «ژاک قضا قدری و اربابش» در ادبیات اسپانیاست و با تنوع فضاها و شخصیت‌ها به‌خوبی دین خود را نسبت به آنها ادا می‌کند. در این نمایش بانی پال شومان، سمیه برجی، کامبیز امینی، فروغ قجابگلو و نوشین اعتماد بازی می‌کنند. امیر دلفان و نوشین اعتمادی، دستیار، الهام شعبانی، طراح لباس، کیوان معتمد، طراح نور و اویس خیلی‌زاده، مدیر صحنه خواهند بود. با مسعود رایگان، طراح و کارگردان، درباره لازاریلو و وضعیت کنونی تئاتر ایران گفت‌وگو کرده‌ایم.

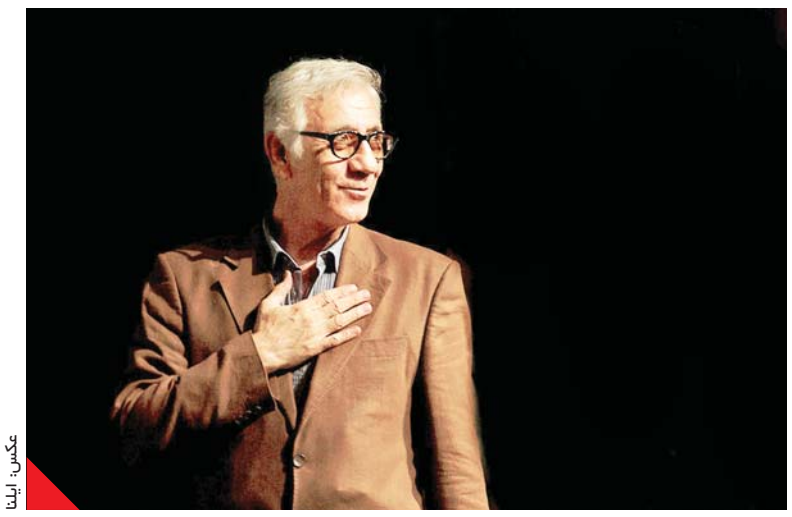

عکس: ایلنا

فکر می‌کنم این روزها یک متن ناشناخته اسپانیایی را دارید برای اجرای عمومی آماده می‌کنید؟

لازاریلو، بچه‌ای ۱۰ ساله است که برگرفته از یک رمان از آثار شاخص ادبیات اسپانیایی است. اگر بخواهیم از آثار شاخص ادبیات اسپانیایی نام ببریم، باید از لازاریلو، دن کیشوت و کریستینا نام برد. سروانتس خیلی تحت‌تاثیر لازاریلو است که یک نویسنده ناشناخته در قرن ۱۵ آن را نوشته.

اهمیت رمان در چیست؟

هیچ‌وقت اسپانیا حکومتش به اندازه‌ای که در قرن ۱۵ قدرتمند بوده، از چنین اقتداری برخوردار نبوده است و از آن به‌عنوان عصر طلایی نام می‌برند که در تمام زمینه‌ها اقتداری مثال‌زدنی داشته و کلیسا هم در کنار حکومت قدرتمند می‌شود. بنابراین اول خاندان سلطنتی، بعد کلیسا و سوم اشراف صاحب قدرتند و در همین دوره است که کریستوف کلمب به تصور رفتن به هند و تجارت پارچه و ادویه بر اثر توفان، مسیرش به سمت السالوادور عوض می‌شود. او نمی‌خواسته آمریکا را کشف کند، بلکه چنین چیزی پیش می‌آید. آنها بر اینکاها غلبه می‌کنند و این در حالی است که سرخ‌پوست‌ها به میهمان‌نوازی می‌آیند، اما اسپانیایی‌ها اسلحه در آستین داشته و آن سرزمین را به خاک و خون می‌کشند و با دست‌یافتن به معادن طلا، مس و نقره، در کنار رؤسای قبایل مقدار زیادی از این فلزات را با خود به اسپانیا می‌برند. ورود این‌همه طلا، مس و نقره اقتصاد اسپانیا را با بحران روبه‌رو می‌کند و این خود زمینه‌ساز جنگ خارجی و داخلی در اسپانیا می‌شود و این خود بحران را تشدید و آن را تبدیل به بحران اقتصادی می‌کند. چنانچه با ۱۰ سکه طلا می‌توانستند یک قرص نان بخرند. نجیب‌زاده‌ها برای اینکه نشان دهند که تازه غذا خورده‌اند با خلال‌دندان که از پوشال جارو بود، دندان‌هایشان را تمیز می‌کردند و این در حالی بود که گرسنگی می‌کشیدند. در آن دوران گدایی یک شغل پردرآمد می‌شود و آنها با رمالی، فال، شعبده‌بازی و چشم‌بندی و هر ترفندی به دنبال خالی‌کردن جیب مردم بودند و در این شرایط دلالی یک شغل مهم است و بچه‌فروشی هم یک شغل پردرآمد. به طور غیررسمی یک نوزاد خریدوفروش می‌شد... حالا می‌بینیم که یک نوزاد به قیمت ۲۰۰ هزار تومان در پارک شهر فروخته شده که بسیار شرم‌آور است و من هم شرمگین هستم و در این نمایش نیز لازاریلو دست‌به‌دست می‌گردد و... .

درواقع نمایش‌نامه شما باید یک اقتباس باشد؟

در ابتدا با دراماتورژی ملچیور شدلر روی رمان «لازاریلو»، نمایش‌نامه‌ای در آلمان نوشته شد که خودش از درام‌نویسان و دراماتورژهای برجسته آلمانی است. شدلر از آن یک نمایش‌نامه دوساعته می‌آفریند و بار دوم خانم سوزان اولدسن و تیم نویسندگانش دراماتورژی دیگری روی نمایش‌نامه نوشته‌شده انجام دادند و من از نمایش‌نامه دومی که به زبان سوئدی و از سوی اولدسن نوشته شده، ترجمه خود را انجام داده‌ام. اینها اثر را به یک ساعت رسانده و ۱۰ تا ۲۰ دقیقه زمان اجرا را کم کرده‌اند، اما ما خودمان برای تفهیم کلمات به پارسی مجبور شده‌ایم سه، چهار سطر بنویسیم و امیدوارم که زمان اجرای ما بیش از یک ساعت‌ونیم نشود، اما طوری اجرا می‌کنیم که اصلا متوجه زمان نخواهیم شد. سعی کرده‌ام که زبان اورجینال در ترجمه از سوئدی به پارسی حفظ شود و من این متن را یک سال‌ونیم پیش در نشر افراز منتشر کرده‌ام و البته دو نمایش‌نامه دیگرم به نام «رویای یک عکس» و «مرگ تدریجی آقای ترکاشوند» را هم در این نشر منتشر کرده‌ام.

آیا رمان در ایران هم منتشر شده است؟

فکر کنم پیش از انقلاب. گمان کنم به نام عصاکش ترمسی چاپ شد.

خودتان هم در این کار بازی می‌کنید؟

من اصلا در کارهای خودم بازی نمی‌کنم و اگر در شرق شرق است به جای امید روحانی بازی کردم، چون از قبل مشخص بود که به سفر می‌روند و من مجبور شدم خودم بازی کنم.

طراح خودتان هستید؟

من اصلا دوست ندارم که اسم خودم چندبار تکرار شود و از این تکرار نام پرهیز می‌کنم، اما اگر این‌گونه شده به‌خاطر این است که هنوز طراحی را که ایده‌هایش نزدیک به خودم باشد پیدا نکرده‌ام و خودم به خودم نزدیک‌تر هستم، البته شاید یک نفر دیگر باشد که فکر ناب‌تری داشته باشد که من پیدایش نکرده‌ام.

وضعیت تئاتر چگونه است؟

در تمام دنیا، وزارت فرهنگ و بخش فرهنگی شهرداری‌ها در تولید و مدیریت تئاتر نقش اصلی را برعهده دارند، اما این روزها در ایران انگار تئاتر به حال خود رها شده و هیچ گوش شنوایی هم نیست، چون بارها صحبت هم کرده‌ایم، اما همچنان همین وضعیت هست و امروز می‌بینیم که ۱۱۰ تئاتر در هر ماه اجرا می‌شود و این در حالی است که در تئاترهای بزرگ دنیا مانند برادوی هم این ارقام اتفاق نمی‌افتد. باید که ضابطه و استانداردی باشد و الان معلوم نیست این استانداردها کجاست که ما فاقد آن شده‌ایم و نمی‌دانم چطور است که آتش‌نشانی و بهداشت به این تالارها مجوز کار می‌دهند که حتی برای انجام تمرین هم مناسب نیستند و با دیدن آنها اولین چیزی که به ذهنم متبادر می‌شود، این است که راه فرارم کجاست؟ اگر اتفاقی بیفتد چه کسی پاسخ‌گو است؟ آیا اصلا پاسخ‌گویی هم هست؟ نمی‌خواهم نفوس بد بزنم اما وقتی مجوز می‌دهیم باید همه جوانب را در نظر بگیریم.

شاید هدف بیشتر کارآفرینی برای فارغ‌التحصیلان تئاتر باشد که حالا آمارشان هم بسیار است؟

هر دو سال یک‌بار طبق آمار خودشان، هفت هزار نفر فارغ‌التحصیل و دانشجوی هنر محلی از اعراب ندارد؟ نمی‌شود با هر بالاخانه‌ای این جوان‌ها را سرگرم کنید و اسمش را هم بگذارید اشتغال‌زایی. سرراست‌تر باید بگوییم استادان این همه دانشجو را از کجا می‌آوریم؟ بازار کار آنها را چگونه می‌بینیم؟ هر بالاخانه که نمی‌تواند تبدیل به یک مؤسسه فرهنگی و تئاتری شود.

آیا با این وضعیت تئاتر رسمی اتفاق می‌افتد؟

نه؛ الان معلوم نیست که نشنال‌تئاتر (تئاتر ملی) ما کجاست؟ فکر کنید الان میهمان‌های خارجی به تهران می‌آیند و می‌خواهیم آنها را به دیدن تئاتر ملی ببریم، باید کجا ببریم؟ الان تئاتر انیستیتویی ما معلوم نیست؟ باید افراد متخصص و سوپرحرفه‌ای در این تئاتر فعال باشند. نمی‌شود دانشجوی تازه از راه رسیده هم در تئاتر شهر کار کند. او باید از فرهنگسراها و تئاتر مولوی شروع کند تا به تئاتر شهر برسد. من منکر او نیستم اما دانشجو باید از جایگاه خودش شروع کند و با گذر از سلسله‌مراتب به تئاتر حرفه‌ای برسد. نمی‌شود از پله اول به پله آخر پا گذاشت. در هیچ جای دنیا چنین نیست.

در این وضعیت خصوصی‌شدن چه باید کرد؟

دولت نمی‌تواند دست از حمایت بردارد و حتی خودش هم از فروش نمایش ۲۰ درصد دریافت می‌کند که با این رقم حقوق کارمندانش را بپردازد. باید در تئاترهای ما گروه‌های حرفه‌ای (آنسامبل) وجود داشته باشد که بتوانند ۱۰ تا ۱۲ گروه تا پنج سال بعد برنامه‌های مشخصی را دنبال کنند و دولت در این صورت ممیزی‌اش را هم بکند اما باید جایگاه تئاتر حرفه‌ای را مشخص کند و این یعنی حقوق این هنرمندان باید مشخص و تعریف شده باشد که طبق آنها کلاسیک‌های خارجی و ایرانی اجرا شوند. نمی‌شود در یک سالن دو اجرا و سه اجرا گذاشت؛ این از کیفیت اجراها می‌کاهد؛ چنانچه الان طراحی صحنه حذف شده است چون هر اجرا بعد از اتمام باید در اختیار گروه‌های بعدی قرار بگیرد که زمان و جایی برای این جابه‌جایی‌ها نیست. من حاضرم با هر مسئولی در این زمینه مناظره کنم برای اینکه بشود وضعیت بهتری را برای تئاتر ترسیم کرد. ما باید تئاتر انیستیتویی داشته باشیم و برای ایجاد آن باید هزینه کنیم. ما باید به تماشاگر احترام بگذاریم و نمی‌شود که یک نمایش دیرتر شروع شود و نمایش بعد هم دیرتر اجرا شود و یک ساعت تماشاگر را معطل کنیم و تئاتر بدون تماشاگر معنایی ندارد. بنابراین در این وضعیت نه تئاتری هست و نه حمایتی از تئاتر و نمی‌شود به این ارقام بالای تولید بدون توجه به استانداردهای جهانی دل خوش کرد.

روی خط خبر

فصل جوایز ادبی

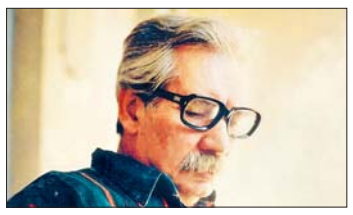

● **شرق:** این روزها ادبیات داستانی به موضوعی برای جوایز ادبی تبدیل شده است و دی‌ماه مصادف است با مراسم نهایی جایزه احمد محمود و همچنین دو جایزه ادبی فرشته و ارغوان که از همین ماه کار خود را آغاز کرده و آثار داستان‌نویسان جوان را گردآوری می‌کنند که به آنها جوایزی تعلق خواهد گرفت.

احمد محمود

مراسم نهایی جایزه «احمد محمود»، دوشنبه، چهارم دی، هم‌زمان با سالروز تولد این نویسنده فقید در خانه هنرمندان ایران برگزار می‌شود. کامران محمدی، دبیر جایزه احمد محمود، دراین‌باره به ایسنا گفت: در مراسم اختتامیه، طبق روال معمول جایزه‌ها، برگزیدگان دو بخش مجموعه‌داستان و رمان معرفی می‌شوند و جایزه خود را از دست بزرگان ادبیات و هنر دریافت می‌کنند. «جایزه شامل جایزه نقدی، لوح و تندیس ویژه‌ای خواهد بود که برای همین منظور طراحی کرده و ساخته‌ایم و قرار است برای نخستین‌بار در مراسم نهایی رونمایی شود». به گفته محمدی، این برنامه با اجرای موسیقی و سخنرانی لیلی گلستان و با حضور محمود دولت‌آبادی و خانواده احمد محمود از ساعت ۱۷ روز دوشنبه، چهارم دی، در سالن شهناز خانه هنرمندان ایران برگزار می‌شود.

جایزه فرشته

چهارمین دوره «جایزه فرشته» با موضوع «آژیر قرمز» برگزار می‌شود. شهرکتاب فرشته اعلام کرد با هدف ترویج فرهنگ کتاب‌خوانی و عکاسی و حمایت از نویسندگان و هنرمندان مستعد و کشف و معرفی استعدادهای درخشان، چهارمین دوره از جایزه «فرشته» را در دو حوزه داستان کوتاه و عکس و با موضوع «آژیر قرمز» برگزار می‌کند. شرایط شرکت در این مسابقه برای علاقه‌مندان به شرح ذیل اعلام شده است: در بخش داستان کوتاه آثار ارسالی باید در فرمت doc یا docx بوده و حداکثر تعداد کلمات سه هزارو ۵۰۰ کلمه باشد، همچنین شرکت‌کنندگان در این رقابت نباید اثر چاپ‌شده‌ای در قالب کتاب داشته باشند و آثار ارسالی نیز نباید پیش‌تر در هیچ مسابقه‌ای شرکت کرده باشد، مضاف بر اینکه هر نویسنده امکان ارسال تنها یک اثر را به دبیرخانه جایزه «فرشته» خواهد داشت. در بخش عکس نیز عکس‌ها باید با ابعاد ۱۵۰ DPI و طول عکس ۴۰ سانتی‌متر و فرمت آن jpg باشد. هر شرکت‌کننده می‌تواند حداکثر سه عکس به دبیرخانه ارسال کند و عکس‌ها نیز باید بعد از سال ۱۳۹۳ گرفته شده باشند. در این بخش نیز عکس‌های ارسالی نباید در مسابقه یا جایزه دیگری حائز رتبه یا مقام شده باشند. علاقه‌مندان برای تکمیل فرم ثبت‌نام آنلاین و ارسال آثار خود می‌توانند به وب‌سایت شهر کتاب فرشته به نشانی: fereshtehbookcity.com مراجعه کنند. مهلت ارسال آثار از یکم دی‌ماه ۱۳۹۶ تا سی‌ویکم فروردین‌ماه ۱۳۹۷ خواهد بود. جوایز این دوره به شرح ذیل است: جایزه منتخب هیئت داوران برای نفر اول در بخش عکس و داستان: تندیس «جایزه فرشته»، لوح تقدیر، بن خرید شهرکتاب و مبلغ ۲۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال جایزه نقدی. مراسم اختتامیه این مسابقه خردادماه ۱۳۹۷ در شهرکتاب فرشته برگزار خواهد شد.

جایزه ارغوان

اولین دوره جایزه ادبی «ارغوان» در حوزه داستان کوتاه با موضوع «آخرین روزهای سال» برگزار می‌شود.

اوژن حقیقی، دبیر اولین دوره جایزه «ارغوان» که از سوی انتشارات هفت‌رنگ برگزار می‌شود، گفت: اولین دوره جایزه «ارغوان» با پذیرش داستان کوتاه با هدف کشف و معرفی استعدادهای جوان و ترویج فرهنگ کتاب‌خوانی، از اول دی‌ماه آغاز شده است. در دوره اول این جایزه، فرهاد توحیدی، محمد چرمشیر، سپیده شاملو، سیامک گلشیری و مهسا محبعلی اعضای هیئت انتخاب و احمد پوری، حسین سناپور و لیلی گلستان اعضای هیئت داوران خواهند بود.

او درباره قوانین اولین دوره جایزه «ارغوان» نیز گفت: داستان‌های کوتاه باید به صورت تایپ‌شده در فرمت‌های doc، docx و rtf در سامانه وب‌سایت جایزه ارغوان به نشانی www.jayezeharghavan.ir ثبت شوند و تکمیل فرم ثبت‌نام آنلاین هم برای حضور در جایزه، الزامی است. تعداد کلمات هر داستان کوتاه حداکثر سه هزار کلمه است و هر نویسنده تنها اجازه دارد یک اثر را به دبیرخانه جایزه ارسال کند. شرایط سنی شرکت در مسابقه حداکثر ۳۰ سال است و در صورت کپی‌برداری یا استفاده از آثار دیگران، داستان موردنظر حذف خواهد شد. داستان‌هایی در این جایزه بررسی می‌شوند که در جوایز ادبی دیگر حائز رتبه نشده یا پیش‌تر به چاپ نرسیده باشند.

دبیر برگزاری جایزه «ارغوان» افزود: «همچنین قوانین، مناسبات و هنجارهای جامعه در انتخاب داستان‌های کوتاه برای شرکت در مسابقه در نظر گرفته خواهد شد و مسئولیت رعایت‌نکردن هر یک از موارد ذکرشده برعهده شرکت‌کننده است».

مهلت ارسال آثار از یکم دی ۱۳۹۶ تا ۱۵ فروردین ۱۳۹۷ خواهد بود.

اختتامیه این جایزه با معرفی برندگان، خردادماه ۱۳۹۷ برگزار خواهد شد.